

برزیلی شدن سیاست ایران در قبال اروپا



خانم دیلما روسف
رئیس‌جمهور برزیل در
نشست ۲۰جانبه اتحادیه
اروپا و برزیل.
فوریه ۱۴ ۲۰ - اسفند ۹۳

عکس: خبرگزاری فرانسه

تأثیرات کوتاه مدت و درازمدت آنها را بر این کشورها به خوبی می‌توان مشاهده کرد. در نوشتار پیش رو به بررسی روابط یکی از این قدرت‌ها به نام برزیل با کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا می‌پردازیم تا ضمن به دست دادن تحلیلی درست از شکل روابط فعلی میان آنها از استراتژی جدید سیاست خارجی برزیل در رابطه با اروپا پرده برداری کنیم. هدف ما از این ارزیابی این است تا بتوانیم با الگو برداری از سیاست خارجی هوشمندانه برزیل در رابطه با اروپا فرمولی مفید و کاربردی را جهت سنگین‌تر کردن کفه ترازوی کشورمان در رابطه با اتحادیه اروپا پیشنهاد دهیم. فرموله که برپایه دو ستون شناخت قابلیت‌های خود و شناخت ضعف‌های رقیب استوار است.

قبلاً توسط پژوهشگران نهادهای تحقیقاتی (اعم از دولتی و غیر دولتی)، دستگاه‌های اطلاعاتی و همچنین، از قبل مراودات مردم با مردم در اختیار مقامات اجرایی قرار داده شده است. نگاهی کوتاه به کشورهایی که در طول یک دهه اخیر توانسته اند با مدیریت درست روابط خارجی خود به دستاوردهای قابل توجهی دست یابند خود گواهی برای این مدعا است. کشورهایی نظیر برزیل، هندوستان، آفریقای جنوبی و لهستان نمونه‌های مشخص چنین موفقیتی هستند. درحقیقت، این کشورها توانسته اند تا از طریق بدست آوردن شناخت درست از نقاط ضعف و قوت رقبایشان و همچنین، داشتن اشراف کامل به تواناییهای خودشان به موفقیت‌های قابل توجی دست یابند، موفقیت‌هایی که

سیاست خارجی صحنه‌ای است که بازیگری در آن بدون داشتن شناخت کافی از فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو به مانند شرکت در قمار است، که برنده و بازنده آن از پیش مشخص است. به بیان دیگر، سیاست خارجی که شناخت درستی از نقاط کور یا به تعبیری، نقاط ضعف دیگر کنشگران بین‌المللی و همچنین، قابلیت‌های خود نداشته باشد، محکوم به ناکامی است. پیش‌شرط دیگری که موفقیت دستگاه دیپلماسی هر کشوری منوط و مشروط به تحقق آن است، رصد اقدامات دیگر بازیگران عرصه نظام بین‌الملل و البته رصد تحولات خود نظام بین‌الملل است. به بیان کامل تر، باید گفت آنچه موفقیت یک سیاست خارجی را تأمین و نه تضمین می‌کند، داده‌های دقیق و قابل اعتنا بی است که